

## گونه‌های «روش پرسش و پاسخ» و کاربست آن

در پاسخ به مسائل اعتقادی از دیدگاه قرآن<sup>۱</sup>

محمد جواد فلاح\*

### چکیده

قرآن کریم با روش‌های مختلفی به سؤالات و شباهت دینی پاسخ می‌دهد. یکی از این روش‌ها که فراوانی زیادی در قرآن دارد، روش پرسش و پاسخ است که به گونه‌های مختلفی در قرآن ارائه شده است. در این روش که گاه به شکل مستقیم و گاه غیر مستقیم، سؤالات و شباهت را پاسخ می‌گوید؛ مبتنی بر اهداف مختلف قرآن از جمله برهان آوری، مراجعته به درون و تذکر، اقناع و تأثیر وجدانی و فطری سامان یافته است. در این روش پاسخ‌دهی می‌توان گونه‌هایی را منظور کرد. این مقاله به پاسخ‌گویی به سؤالات اعتقادی براساس «روش پرسش و پاسخ» تمرکز دارد. نتایج این روش پاسخ‌گویی در قالب‌ها و گونه‌های مختلف زمینه تأثیرگذاری شناختی و عاطفی را در مخاطب فراهم می‌کند و سبب آماده‌سازی و پذیرش افراد در مسائل اعتقادی می‌گردد. ما به روش توصیفی تحلیلی و با تمرکز بر برخی از مهم‌ترین آیات قرآن در این حوزه این روش‌ها را تبیین خواهیم کرد.

### واژگان کلیدی

روش پرسش و پاسخ، پرسش و پاسخ قرآنی، پاسخ‌گویی، قرآن کریم، شباهت و سؤالات دینی.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مورد حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) صورت گرفته است.  
mjfallah.ac@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸  
\*\*. دانشیار دانشگاه معارف اسلامی.

## طرح مسئله

کتاب الهی روش‌های مختلفی را برای پاسخ به سوالات و شباهت دینی و تبیین آموزه‌ها و معارف اسلامی مورد توجه قرار داده که می‌تواند در پاسخ‌گویی به سوالات دینی برای مراجع، مراکز و کسانی که در حوزه پاسخ‌گویی دینی فعالیت می‌کنند کارگشا باشد. روش‌هایی چون برهان، جداول احسن، موعظه، تمثیل، تقسیم و دیگر روش‌ها را می‌توان در زمرة روش‌های قرآن در پاسخ‌گویی به مسائل دینی دانست. این روش‌ها را می‌توان بر اساس نوع بدکارگیری و توجه و تأکید آیات و استفاده در محتواهای پاسخ، به‌گونه‌های اصلی و فرعی و با بر اساس اهداف و غایات به استدلالی و برهانی، اقتصاعی و دیگر اقسام تقسیم نمود. یا اینکه برای روش‌های مهم و اصلی برخی شیوه‌های خردر را منظور کرد که مسئله حاضر ما نیست. تمرکز این مقاله بر یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های قرآن در پاسخ‌گویی به سوالات دینی است که در عرصه‌های مختلف اخلاقی، اعتقادی، فقهی - حقوقی و ... مورد استفاده قرآن قرار گرفته و در آیات الهی منعکس گردیده است. ما در روش «پرسش و پاسخ» ضمن توجه به ابعاد و گونه‌های این روش قرآنی در پاسخ‌گویی به سوالات دینی مهم‌ترین پرسش‌های طرح شده در قرآن را به روش تحلیلی مورد توجه قرار خواهیم داد.

در مورد روش پرسش و پاسخ به‌ویژه با نگاه قرآنی می‌توان پرسش‌هایی را مطرح کرد. آیا ما «پرسش و پاسخ» را به عنوان «روش» تلقی کنیم یا «تکنیک» یا «ابزار». چراکه قرآن اهداف مختلفی را برای پرسش و پاسخ منظور دارد؛ گاهی استدلال و برهان، گاهی توجه به فطرت و وجودن گرایی و گاهی تذکر و موعظه. این اهداف گویای آن است که می‌توان از پرسش و پاسخ به عنوان تکنیک‌هایی در مسیر روش‌های مختلفی که قرآن منظور دارد یاد کرد ولی از آنجایی که قرآن به شکل مستقل به خود پرسش و پاسخ به عنوان یک روش عنایت داشته و در برخی موارد خود پرسش و پاسخ را به عنوان یک روش مستقل برای پاسخ‌گویی به سوالات مورد توجه قرآن از آن به عنوان یک روش مجزا یاد می‌کنیم. به عنوان نمونه در بسیاری از آیات که خداوند پرسش‌های مردم را در حوزه دین با تعبیر «یسٹلوونک عن...» مطرح می‌کند و با دستور «قل» امر به پاسخ می‌کند طرح چنین پرسش و پاسخ‌هایی در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی و ... نشان دهنده ارزش چنین مبحثی است و اینکه قرآن بدان نگاه مستقل داشته است.

در این مقاله ضمن گونه‌شناسی پرسش‌های قرآن بر اساس معیارهای مختلف، با تمرکز بر روش پرسش و پاسخ به تحلیل و بررسی آیات قرآن در این زمینه خواهیم پرداخت و به این پرسش، پاسخ می‌دهیم که آیات قرآن چگونه مبتنی بر این روش پاسخ‌گویی به سوالات و شباهت دینی می‌پردازد. ازوی دیگر، این روش پاسخ‌گویی مبتنی بر اهداف منظور شده در قرآن چه کارایی و اثربخشی در امر پاسخ‌گویی دینی خواهد داشت. بررسی شیوه‌های استفاده از این روش پاسخ‌گویی در آیات قرآن در حوزه اصول عقاید و مباحث کلامی به شکل موردنی، مسئله این مقاله است تا بتوان به دستاوردهای ملموس و دقیق‌تری در باب تحلیل و تبیین این روش قرآنی دست یافت.

### گونه‌های «روش پرسش و پاسخ»

پیش از بیان گونه‌های روش پرسش و پاسخ به تبیین مفهومی «روش پرسش و پاسخ» می‌پردازیم. روش در لغت به سیک، طریق، قاعده و قانون، اسلوب، رسم و آیین گفته می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷ / ۸ / ۱۲۳۷) در اصطلاح علوم تربیتی روش به سه مفهوم اطلاق می‌شود: ۱. مجموعه طریق که انسان را به کشف مجھولات و حل مشکلات هدایت می‌کند، ۲. مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات باید به کار رود، ۳. مجموعه ابزارها و فنونی که آدمی را در مسیر رسیدن از مجھولات به معلومات راهبری می‌کند. (فرمہینی فراهانی، ۱۳۹۰: ۳۲۷)

در زبان عربی روش را «منهج» و در زبان لاتین نیز روش از «method» به معنای راه آخذشده و به معنای در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدفی معین به شرط نظم خاص است. (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۸) پس روش به معنای عام به معنی شیوه، راه، مسلک است که در بر اساس علوم مختلف و اهداف هر علم ممکن است تحقق یابد. به عنوان نمونه برخی محققین معتقدند برای رسیدن به معرفت (از هر سنخی) و یا توصیف واقعیت، ذهن فرایندی را دنبال می‌کند که از آن به روش یاد می‌کنند. به این بیان، روش راههای رسیدن به هدف است که ما را در جهت

فهم و حل مسئله‌ها بهتر به مقصد می‌رساند. (علیخانی و دیگران، ۱۳۸۶: ص ۲۳) به نظر می‌رسد در این تعریف از روش به عنوان فرایند یاد شده و فرایند را می‌توان از سلسله اجزایی در کنار یکدیگر در مسیر یک هدف مشخص انتزاع کرد. در اصل روش را می‌توان امری انتزاعی و از سخن مقولات ثانی فلسفی دانست، حال آنکه برخی محققین روش را به ابزار روش تحويل بردۀ‌اند و روش را ابزار معنا کرده‌اند. بر این اساس این پرسش مطرح است که آیا روش به خود راه اطلاق می‌شود یا ابزارهای رسیدن به آن؟ در این باره بین محققان اختلاف است. برخی اصطلاح روش را هم به خود «راه» و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن بازمی‌گردانند. (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۶۹؛ حقیقت، ۱۳۸۵: ۳۷) عده‌ای روش را هر گونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصد دانسته‌اند. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۴) واقعیت آن است که روش به معنای خاص که معادل (method) در انگلیسی و (منهج) در عربی است غیر از ابزار است که سبب و عامل تحقق یک یا چند هدف مشخص شده است. ما بر اساس دیدگاه قرآن برای تبیین و پاسخ به سؤالات و شباهات معرفتی و اخلاقی به‌ویژه مسائل اعتقادی از پرسش و پاسخ به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های قرآنی بحث خواهیم کرد. از این رو مقصود ما از روش شیوه، راه و مسلکی است که قرآن برای پاسخ‌گویی به شباهات و سؤالات مخاطبان خود برای اهداف عالی‌تری چون هدایت و قرب اختیار کرده است.

اما برای فهم دقیق‌تر این روش تبیین گونه‌های آن می‌تواند مفید واقع شود. البته آنچه می‌توان به عنوان اصلی‌ترین محور این روش مطرح کرد طرح سؤال است که در همه اقسام و گونه‌ها عنصر محوری است. بر این اساس در یک نگاه کلی قرآن به گونه‌های مختلف به طرح پرسش و پاسخ پرداخته است. گاهی به روش مستقیم و گاهی غیر مستقیم. در روش‌های مستقیم ما با آیاتی مواجهیم که در آن خداوند سؤالاتی را به شکل صریح مطرح و به آن پاسخ داده است. در روش دوم که روش غیر مستقیم است قرآن به شیوه‌های مختلف به پاسخ پرسش اهتمام دارد که مبتنی بر اهداف و وضعیت‌های مختلف و یا نوع مخاطبان متفاوت است. با این تقسیم‌بندی کلی می‌توان مهم‌ترین اقسام پرسش‌های مستقیم را در موارد ذیل برشمرد:

۱. طرح پرسش و ارائه پاسخ به شکل مستقیم؛ در این روش، قرآن پرسش را مستقیم طرح نموده و خود پاسخ آن را ارائه می‌کند. اما این پرسش که خود اقسامی دارد: (الف) به اعتبار پرسش‌گر؛ ۱. خداوند سؤال می‌کند، ۲. پیامبر سؤال می‌کند، ۳. سایر مردم سؤال می‌کنند. (ب) به اعتبار پاسخ‌گو؛ ۱. خدا خود پاسخ می‌دهد (به پرسش خود، به پرسش پیامبر، به پرسش مردم و سایرین) ۲. پیامبر پاسخ می‌دهد (به پرسش الهی، به پرسشی که خود پیامبر طرح می‌کند، به پرسش مردم)؛

۲. طرح پرسش و ارائه پاسخ غیر مستقیم از طریق حاله دادن پاسخ به پیامبر ﷺ؛

۳. طرح پرسش و عدم پاسخ به پرسش؛

۴. طرح پرسش غیر مستقیم از پیامبر، از مردم یا مردم و ارائه پاسخ.

البته با دقت در آیات الهی و طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی می‌توان گونه‌های دیگر نیز برشمرد که ما به اینها بسنده می‌کنیم، همچنین ارائه مدل‌های مختلف پرسش و پاسخ در قرآن بر اساس حکمت‌هایی صورت گرفته که برخی از زوایای آن را در مباحث آنی مورد توجه قرار می‌دهیم.

گونه‌های پرسش و پاسخ مستقیم که فراوانی بیشتری در آیات قرآن دارند بیان شد؛ اما نوع دیگر پرسش‌گری قرآن پرسش‌های غیر مستقیم است؛ به این معنا که خداوند مستقیماً سؤالی را مطرح نمی‌کند بلکه این پرسش‌ها را با توجه به مباحث قرآنی به شکل ضمنی می‌توان استخراج نمود. معنای این سخن آن است که در برخی از موارد قرآن مباحثی را مطرح می‌کند که به عنوان یک دغدغه و پرسش و شباهه مطرح است و در اصل پاسخ یک پرسش مقدمه‌ای طرح شده را می‌دهد ولی به شکل صریح به طرح پرسش نمی‌پردازد بلکه به شکلی غیر صریح پاسخ مطلوب را ارائه می‌دهد.

پس بر اساس این تقسیم‌بندی می‌توان یکی از روش‌های مهم قرآن در پاسخ‌گویی سؤالات و شباهات دینی را روش پرسش و بیان پاسخ آنها دانست. غیر از تقسیم گونه‌های پاسخ‌گویی به اعتبار مستقیم و غیر مستقیم، معیارهای دیگری را نیز می‌توان برای اقسام پرسش و پاسخ‌ها در قرآن منظور کرد، مثلاً پرسش‌هایی که افراد در سطح جامعه مطرح می‌کردنند را مورد توجه قرار داد، اینکه مخاطب پیامبران هستند یا مؤمنان یا سایر مردم یا معاندان و کافران؛ براساس این نیز می‌توان برای پرسش و پاسخ‌های قرآن اقسامی را بیان کرد.

شكل دیگر پرسش و پاسخ را می‌توان بر اساس هدف پرسش و پاسخ منظور کرد.

در اصل پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن بر اساس یک هدف عالی استوار گردیده و آن هدایت انسان‌ها به حق است. آرمان قرآن هدایت انسان است و برای هدایت‌گری او و نجات وی از کج روی و انحرافات به روش‌هایی روی آورده که مهم‌ترین آنها روش پرسش و پاسخ است. روش پرسش و پاسخ هم دستگاه معرفتی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم زمینه عاطفی را برای پذیرش حق در آنها فراهم می‌کند و هم می‌تواند منجر به عملگرایی و تغییر رفتار در افراد شود. در اصل روش پرسش و پاسخ کارکردهای معرفتی، عاطفی و رفتاری را به همراه دارد و زمینه هدایت افراد و ملت‌ها را فراهم و آن را محقق می‌سازد.

اینکه هدف ایجاد زمینه است برای رسیدن به پاسخ یا رسیدن به اصل مطلوب، گاهی پرسش و پاسخ برای دستیابی به واسطه‌های هدایت مثل تذکر، عبرت، تنبیه و توجه است و گاهی مستقیماً می‌خواهد به مطلوب حق رهنمون شده و به اصل پاسخ پردازد.

نکته دیگر اینکه مقصود از پرسش و پاسخ در اینجا یک روش - گفتگو است. پاسخ‌گویی دینی می‌تواند برای پاسخ به شبهات و سوالات - آن چنانکه قرآن اهتمام داشته است - مهم‌ترین سوالات رایج را طرح و به پاسخ آنها مبادرت ورزد. البته در برخی موارد پرسش و پاسخ به عنوان یک شیوه و تکنیک برای تحقیق روش‌های دیگر پاسخ‌گویی مورد توجه قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه در برخی موارد که روش قرآن استدلایل است از شیوه «پرسش و پاسخ» برای این منظور برهه برده و به شکل پرسش و پاسخ استدلایل خود را مطرح می‌کند؛ مثل آیه ده سوره ابراهیم که فرمود: «قَالَ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكَّ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤْخِرَ كُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمَّى قَالُوا إِنَّا إِنْ أَتَمْ إِلَّا بَشَرٌ مِنْنَا». پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن را با توجه به محتوای پرسش‌ها و شبهات نیز می‌توان تقسیم‌بندی نمود؛ مثلاً با توجه به سه حوزه معارفی عقاید، اخلاق و فقهه می‌توان اقسامی را بیان کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآن در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، اعتقادی و ... قابل تقسیم‌بندی است. ما با توجه به اهمیت مسائل اعتقادی و فراوانی آن در آیات قرآن کریم به اقسام پرسش‌ها و پاسخ‌های صورت گرفته می‌پردازیم و اجمالاً آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهیم داد.

### شیوه‌های کاربست «روش پرسش و پاسخ» در مسائل اعتقادی

یکی از مسائل مهم در استفاده از آیات قرآن، کاربردی کردن آنهاست. امروزه تبیین مسائل اعتقادی بدویژه پاسخ‌گویی به سوالات دینی باید بر اساس شیوه‌ها و تکنیک‌های عملی باشد. ما از پرسش و پاسخ به عنوان یک روش کلی یاد کردیم که در مسائل مختلف و حوزه‌های گوناگونی از جمله حوزه‌های فکری، عقیدتی و اخلاقی و حتی مسائل فقهی و حقوقی در قرآن موردن توجه قرار گرفته است. اما این روش به شیوه‌ها و تکنیک‌هایی نیز مبتنی است که بدویژه در مسائل اعتقادی در قرآن نمونه‌ها و مواردی را موردن توجه قرار می‌دهیم. در پاسخ‌گویی به سوالات و شبهات دینی و تبیین معارف اسلامی این شیوه‌ها می‌توانند مؤثر باشد.

#### ۱. شیوه مستقیم

آن چنان که بیان شد در این نوع از پرسش و پاسخ خداوند صراحتاً و به شکل مستقیم پرسشی را مطرح می‌کند و خود آن را به شکل مستقیم و صریح پاسخ می‌گوید. لذا پرسش و پاسخ به عنوان یک بسته محتوایی کامل به مخاطبان ارائه شده است. به عنوان نمونه بخش عمده‌ای از پرسش‌های مخاطبان در مورد مسائل اعتقادی است. طرح پرسش‌هایی از اعتمادی به گونه‌های مختلف در قرآن صورت گرفته است. مهم‌ترین قسم آن پرسش و پاسخ مستقیم است که خود قرآن عهده‌دار طرح آن است. در این قسم خداوند به شکل مستقیم به طرح پرسش پرداخته و به آن پاسخ می‌دهد، البته همان‌طور که بیان شد این گونه خود اقسامی دارد. گاهی قرآن خود پرسشی را مطرح می‌کند و بدون واسطه به طرح پرسش و پاسخ می‌پردازد و گاهی پرسش مردم را طرح کرده و خود پاسخ آن را می‌دهد و گاهی پرسش پیامبر ﷺ را طرح و خود پاسخ آن را می‌دهد. از طرفی گاهی خداوند پرسش‌های مذکور را طرح و به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که به این پرسش‌ها پاسخ دهد، گاهی نیز پرسش‌های مذکور را طرح ولی پاسخی برای آن منظور نمی‌کند. که ما در این قسمت به طرح پرسش و پاسخ آن نظر داریم.

به عنوان نمونه خداوند پرسشی را که مردم درباره روح مطرح کردند را بیان می‌کند و به پیامبر ﷺ امر می‌کند که پاسخ مردم را در این باب بدهد. این پرسش و پاسخ که مربوط به حوزه انسان‌شناسی و در حیطه مسائل اعتقدای است این‌گونه بیان شده است:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أُوتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. (اسراء / ۸۵)

و از تو درباره «روح» می‌پرسند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است و از دانش، جز اندکی، به شما داده نشده است.

در شأن نزول این آیه که در قالب پرسش و پاسخ مطرح شده، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. طبیری در تفسیر جامع به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره کرده و بر این باور است که مفسران اختلاف کردند در آنکه روحی که از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال نمودند چیست؟ ابن مسعود در شأن نزول این آیه معتقد است جماعتی از یهودی‌ها حضور پیغمبر ﷺ شرفیاب شدند و از حضرتش سؤال نمودند روحی که در جسد انسان است چه حقیقتی دارد و چگونه او را در بدن عذاب کنند که جبرئیل فرود آمد و آیه فوق را آورد. (طبیری، ۱۴۱۲: ۱۵)

آیچنان‌که از این روایت بر می‌آید زمینه شکل‌گیری چنین پرسش و پاسخ اعتقدای پرسشی بوده که از پیغمبر ﷺ درباره حقیقت روح و چگونگی استقرار آن در بدن و کیفیت عذاب آن در بدن پرسیده‌اند که قرآن را بر آن داشته تا بر اساس روش پرسش و پاسخ دست به ابهام‌گشایی از این مسئله اعتقدای کند.

به عنوان نمونه در پاسخ به چیستی «روح» در نقلی طبرسی از ابن عباس روایت کرده که طایفه‌ای از یهودی‌ها به قریش گفتند از محمد ﷺ پرسید آیا روح مخلوق و حادث است یا خیر؟ آیه نازل شد که او از امر و مخلوقات خدا است و قوام حیات و زندگانی انسان منوط به او است و بعض دیگر گفتند مراد به روح، قرآن است؛ چنانچه فرمود: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أُمْرِنَا» چه آنها سؤال کردند از آن حضرت ای محمد ﷺ خبر ده ما را از این قرآن که بر تو فرود می‌آید؛ چگونه جبرئیل آن را بر قلب مبارکت اندازد. آیا قدیم است یا حادث و چطور معجزه‌ای است و نظم ترتیب آن مخالف با کلامبشر است. آیه نازل شد و فرمود قرآن از فرمان خدا صادر شده و حادث است نه قدیم و طایفه دیگر گفتند مراد به روح در اینجا حضرت عیسی است که در او شیوه کردند چگونه بی‌پدر بوجود آمد. (طبیری، ۶/ ۶۷۴) نیز طبرسی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود روح نام فرشته‌ای است بزرگتر از جبرئیل و میکائیل و روز قیامت بر یمین عرش بایستد و او مقرب‌تر از فرشتگان است و جای او نزدیک حجاب هفت‌پوش باشد. (همان)

آیچنان‌که معلوم است در تمام این اقوال جز قول اول که معتقد است روح از مخلوقات خداست و قوام حیات انسان به اوست. جواب مطابق پرسش و سؤال آنها صادر و واقع شده و در قولی که فرمود روح از فرمان و عالم امر پروردگار است؛ یعنی موجودی است که جز خدا از حقیقت او کسی علم و اطلاع ندارد، چون یهودی‌ها به قریش گفتند از محمد ﷺ پرسید حقیقت روح چیست؛ اگر جواب بدده پیغمبر نیست چه عقیده شخص خود را اظهار نموده است. سؤال نمودند آیه فوق در جواب آنها فرود آمد و فرمود شما آدمیان از علم و دانش به آن نصیبی ندارید جز اندکی. این تفاسیر و تبیین‌هایی که از روح در آیه شده نشان می‌دهد باور به روح و پذیرش حقیقت آن همواره ابهامات، سوالات، شباهات و تردیدهایی را به همراه داشته است و تفهیم آن از منظر قرآن بسیار اساسی و ضروری و در اولویت‌های قرآن است و شاید بتوان چنین روشی از طرح پرسش و ارائه پاسخ مستقیم و صریح را به خاطر اهمیت و جایگاه مطلبی دانست که مورد پرسش و پاسخ قرار گرفته است.

در کنار دیدگاه‌های مذکور، اهتمام ائمه معصومین علیهم السلام به چنین پرسش‌ها و پاسخ‌هایی حائز اهمیت است و ایشان نیز تبیین‌هایی را برای پاسخ به این نوع پرسش‌ها ارائه کرده‌اند. به عنوان نمونه در همین باب، در نقلی دیگر عیاشی ذیل آیه فوق از ابی بصیر روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم روح چیست؟ فرمود روح چیزی است که در تمام حیوانات و انسان وجود دارد مجددًا عرض کردم آن چه چیزی است که در تمام خلائق موجود است؟ فرمود روح از عالم ملکوت و از قدرت خداوندی خلق و ایجاد شده است. (عیاشی، ۲/ ۱۳۸۰)

در روایتی دیگر در تبیین چیستی و کیفیت روح در کافی شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: روح مخلوقی است بزرگ‌تر

از جبرئیل و میکائیل که همیشه با پیغمبر و ائمه می‌باشد و از ملکوت است. همچنین از زراره روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: روح مخلوقی است از مخلوقات پروردگار برای او قوت بینایی و تأیید است. خداوند قرار داده او را در قلب پیغمبران و ائمه و مؤمنین. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۱۶۰)

این اختلافات در معنا و مصداق روح نشان می‌دهد مسئله روح یکی از سوالات اساسی مردم است که خداوند آن را مطرح می‌کند. البته علامه در آثار خود از جمله المیزان و رسالتہ الانسان قبل الدنیا به تفصیل به تشریح روح و عالم امر می‌پردازند و روایات را بر اساس دیدگاه خود قابل جمع می‌دانند. با این وصف، ظاهر آیه و سیاق آن نشان می‌دهد که مسئله روح از سوالات مهمی بوده که افراد درباره آن پرسش داشته و دارند و قرآن برای روش شدن چنین ابهام و سؤالی آن را طرح و به پیغمبر ﷺ امر به پاسخ‌گویی می‌کند.

آنچنان که روش قرآن در اینجا برای پاسخ‌گویی ایجاد پرسش مردم به شکل مستقیم است که نشان می‌دهد پاسخ‌گویی به سوالات مخاطبان می‌تواند با طرح مهم‌ترین پرسش‌ها و دغدغه‌های آنان باشد، بهویژه سوالات مهم که دغدغه مردم است. برخی سوالات اعتقادی در قرآن با طرح سوالات مردم مطرح می‌شود ولی نه به شکل مستقیم و غیابی بلکه از زبان خود مخاطب سوال منعکس شده و پاسخ آن به وسیله قرآن داده می‌شود؛ مثل سؤالی که آن شخص درباره چگونه زنده شدن مردگان می‌کرد درحالی که استخوان‌های پوسیده را در دست می‌فرشد.

نکته مهم در شیوه مستقیم و صریح جنبه معرفتی پاسخ است. در اصل در این نوع پرسش و پاسخ، ایجاد معرفت و دستیابی به معرفت راستین مقصود است و برای ترمیم و تصحیح اعتقادات یا پاسخ‌گویی به شباهت و سوالات اعتقادی از این شیوه استفاده می‌شود. هرچه ما با عقاید و مباحث کلامی مهم‌تر و تأثیرگذارتری مواجه باشیم اهتمام قرآن و بهرمندی از شیوه‌های مستقیم طرح پرسش و پاسخ بیشتر است. البته معنای این سخن عدم استفاده از شیوه‌های دیگر نیست. ای بسا قرآن برای مباحث مهم اعتقادی شیوه‌ها و روش‌های مختلف را متناسب با سطح مخاطبان خود به کار می‌گیرد.

نمونه دیگر از این پرسش و پاسخ مستقیم، شیوه‌ای است که خداوند پرسش را از مخاطب می‌پرسد و از زبان خود مخاطب به آن پاسخ می‌دهد. در این شیوه نیز مسئله معرفت‌افزایی مورد اهتمام و توجه است و به شناخت بهتر از نوع معرفت و عقیده کمک می‌کند درحالی که می‌توان جنبه‌های عاطفی را نیز در آن مورد توجه قرار داد. نمونه‌ای از آن، سوالاتی است که خداوند از مشرکین مطرح می‌کند و پاسخ مشرکین به مسئله را به عنوان حقانیت آن طرح می‌کند. در اصل نوع پاسخی که آنان می‌دهند نوعی اعتراف به حق و بازخوانی معرفتی باور آنان است. در آیه ۳۱ سوره یونس این شیوه از پرسش و پاسخ اعتقادی به کار رفته است:

قُلْ مَنْ يَرْكَعُ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضَ أَمْ يَمْلِكُ السَّمَاءَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْيَتَمَّ وَيُخْرِجُ الْيَتَمَّ مِنَ الْحَيَّ وَمَنْ يَدْبِرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقْلُ أَفَلَا تَسْقُونَ

بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی صاحب اختیار شنوازی و دیدگان است؟ و چه کسی زنده را از مرده ببرون می‌آورد و مرده را از زنده ببرون می‌سازد؟ و چه کسی کار [ها] را تدبیر می‌کند؟ پس به زودی [مشرکان] خواهند گفت: خدا [چنین می‌کند]. و بگو: آیا [برگمراهی اصرار می‌ورزید] و خودنگهداری نمی‌کنید؟!

با توجه به این آیه معلوم می‌شود که مشرکان، به رازیقت خداوند و تدبیر امور از سوی او و دخالت در هدایت پسر، اعتقادی نداشتند. از آیه ۳۶ همین سوره فهمیده می‌شود مخالفان آن حضرت به اعتقاد اشان چندان مطمئن نبودند و از آیه ۴۰ فهمیده می‌شود عده‌ای از آنان تمایل به پذیرفتن تعالیم آن حضرت داشتند (اما اگر این کار را نمی‌کردند به علت عوامل دیگری نظریتر سرس از به خطر افتادن بعضی از منافقان بود) و از آیه ۳۹ فهمیده می‌شود عده‌ای از آنان تمایل به نوعی «معامله» بین خویش و آن حضرت را داشتند که از سوی آن حضرت، با توجه به آیه ۴۱، به علت نهی شدید الهی مورد موافقت قرار نمی‌گرفت و از آیه‌های ۴۲ و ۴۳ فهمیده می‌شود عده‌ای، هم علاوه‌مند بودند و هم به علت ضعف شخصیت نمی‌توانستند تصمیم بگیرند که بالاخره چه باید بکنند. با توجه به این مخاطبان، روش پرسش و پاسخی که قرآن بدان اهتمام دارد می‌تواند زمینه تذکر، عبرت، یا هدایت و یا در نهایت اتمام حجت را برای آنها فراهم آورد.

می‌توان برای روند تأثیرگذاری این روش قرآنی دیدگاه مفسران را ملاحظه کرد. برخی از مفسران توجه به نعمت‌های الهی را در این آیات مورد توجه قرار داده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱ / ۵؛ طوسی، بی‌تا: ۵ / ۵؛ ۷۱: ۴۰۸ / ۱۰؛ ۱۳۹ / ۱۰) باری در نوع پاسخی که مشرکان می‌دهند دیدگاه‌ها و اقوال متفاوت است. بسیاری از مفسران معنای نزدیک اقرار و اعتراف مشرکان به حقانیت توحید را مطرح کرده‌اند. (طبری، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۶۲) و معتقدند اینان اگرچه مشرک بودند ولی به حقانیت این مباحث باور داشتند. طبری معتقد است کسانی که به صانع باور دارند دو دسته‌اند: عده‌ای که موحدند و باور دارند صانع یکی است و دسته‌ای دیگر که مشرکند (همان) و کسانی مثل ابن عاشور معتقد است ایشان چنین اعتقادی را داشتند و خدا از اعتقاد و اعتراف ایشان پرده برداشته است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۷۳) کسانی مثل علامه طباطبائی نیز معتقد است در این آیه حجتی قاطع برای وثیق‌ها و بتپرستان اقامه شده است. بدین صورت که بتپرستان با پرسش بتها و ارباب بتها را می‌پرسی‌ند که به عقیده آنان مدبر عالم هستی بود و هر یک از رب‌های گوناگون را به‌خاطر تدبیر خاصی که آن رب داشت می‌پرسی‌ند. مثلاً ساکنان سواحل دریا رب آب و هر کدام به‌جهتی ربی را می‌پرسی‌ند. حجتی که در این آیه اقامه شده آن است که تدبیر عالم انسانی و سایر موجودات به دست خدای سیحان است نه به دست غیر او (بر اساس اعتراف خود مشرکین) پس واجب است تنها او را رب بداند و غیر او را نپرسنند. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵۰ / ۱۰)

در تفاسیر دیگر نیز مشابه این دیدگاه آمده است. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۳۹؛ زمخشri، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۴۵؛ طبری، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۶۲)

در نهایت می‌توان این روش را برای اصلاح عقاید باطل به کارگرفت و قرآن با این روش و با صراحة و به شکل مستقیم چنین پرسش‌هایی را از آنان مطرح می‌کند تا با پاسخی که از زبان آنها مطرح می‌کند حقیقت را برای آنان آشکار سازد. در پاسخ‌گویی به سوالات اعتقادی این شیوه می‌تواند بسیار مؤثر باشد. چراکه پاسخی که به زبان مخالفان یا پرسش‌گران مطرح شود هم جنبه تأثیرگذاری بیشتر داشته و هم شخص می‌تواند با اذعان و اصلاح عقیده خود زودتر به مطلوب برسد.

## ۲. شیوه انگیزشی و توبیخی

در کنار بعد معرفتی، بسیاری از پرسش‌های قرآن جنبه عاطفی دارد و یا زمینه برای رسیدن به حق و هدایت است یا به عنوان ابزاری برای توجه و ایجاد انگیزه برای تغییر رویکرد افراد مورد توجه قرار می‌گیرد. بخشی از پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآن بیشتر جنبه عاطفی دارد و می‌خواهد با تأثیر بر مبارزی تحریکی افراد آنها را وادر به فهم و تفکر کند. مثلاً برخی افراد که گمان‌ها و پنداهای باطلی درباره نسبت خود و هستی دارند و فکر می‌کنند عالم تصادفی خلق شده و هیچ سرانجامی در انتظار آنان نیست و در اصل آنها با چنین اعتقاد پوشالی زیست می‌کنند را با سؤال مورد خطاب قرار داده و از روش پرسش و پاسخ می‌خواهد آنان را به جهت عاطفی درگیر کرده و متوجه خطأ و اشتباه خود کند. این پرسش از قرآن در راستای روش‌گری اعتقادی و باطل خواندن برخی عقاید آنها درباره حیات و زندگی است که قرآن با طرح پرسش آن را به میان آورده است. در آیه زیر، هم بحث معنای زندگی مطرح شده و هم مسئله معاد و بازگشت افراد به سوی خدا.

﴿فَحَسِّسْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْتَنَا كُمْ عَيْنًا وَأَنَّكُمْ إِيَّنَا لَا تُرْجِعُونَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۵)

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به‌سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!

در این آیه قرآن گو اینکه گمان افرادی را که فکر می‌کنند بیهوده خلق شده‌اند را زیر سؤال می‌برد و آنها را توبیخ می‌کند که چرا شما به چنین باوری روی آورده‌اید و در اصل با این روش پرسش‌گری اعتقادات آنان را مورد بازخوانی قرار دهد و آنها را در مورد اعتقادشان توبیخ می‌کند.

در قرآن بسیاری از آیات با چنین رویکردی زمینه‌های عاطفی افراد را تحریک و آنان را نهیب زده و وادر به تفکر می‌کند.

در آیه ذکر شده مخاطب توبیخ به شکل مستقیم است و منحرفین فکری و اعتقادی مورد خطاب و توبیخ آیه هستند ولی در برخی آیات این توبیخ به شکل مغایب صورت گرفته است که می‌توان شدت وحدت این توبیخ را نشان دهد. از این رو قرآن پرسش‌گری را به شکل مغایب طرح کرده و مشرکان را مورد توبیخ قرار می‌دهد، آنجا که فرمود:

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ أَتَخْدُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبًاً إِلَيْهِهِ。 (احقاف / ۲۸)

و چرا کسانی که معبودانی غیر از خدا را [برای] نزدیکی [به او] برگزیدند، آنان را باری نکردند؟ آنچنان که در آیه آمده و اهل ذکر کرده‌اند در این آیه شریفه «لولا» از ادات توبیخ بوده و بر فعل ماضی (نصر) وارد شده است. (صفی، ۱۴۱۸ / ۲۶؛ خضری، ۱۴۲۸ / ۲؛ ۷۶۷) از این جهت گمان و فکر و عقیده مشرکان که اعتقاد داشتند معبودان آنها به کمکشان می‌رسد با طرح چنین پرسشی توبیخی باطل اعلام شده و بیان کننده سستی و ناروایی چنین عقیده‌ای است.

### ۳. شیوه ارجاع به درون

برخی از پرسش‌های اعتقادی، مسئله توحید را مطرح می‌کند و البته با عواطف و ساحت گرایشی خواننده و مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. حب و بغض، نفرت و شوق، بیم و امید از نمونه‌های عاطفی هستند که قرآن با طرح سؤالاتی انسان را نسبت به آن تحریک و به وسیله آن ایجاد انگیزه می‌کند. یکی از این گرایش‌هایی که قرآن باعث آن است و از طریق پرسش، آن را رقم می‌زند ارجاع به درون است. در این صورت شخص با یک مراجعه درونی و بازخورد درونی پاسخ را می‌یابد. خداوند در بسیاری از آیات به شکل مستقیم از پیامبر می‌خواهد که این چنین پرسش‌هایی را از مردم مطرح کند. در اصل یک دسته پرسش‌هایی در قرآن کریم است که خداوند به پیامبر می‌فرماید: تو از مخاطب خود این گونه و این امور را سؤال کن. این پرسش‌ها همان‌هایی هستند که به عنوان تکنیک یا شیوه‌های تأثیرگذاری در روش موعظه و تذکر از آنها استفاده می‌شود و خداوند با طرح چنین پرسش‌های تأثیرگذاری درونی بر مخاطب می‌گذارد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَكُمُ السَّاعَةُ أَغْيَرُ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* بَلْ إِنَّهُ تَدْعُونَ فَيَكْتُبُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَسْتَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ. (انعام / ۴۱ - ۴۰)

بگو آیا ملاحظه کردی، اگر عذاب الهی به سراغ شما آید، یا ساعت [= قیامت] به شما رسد؛ آیا [کسی] غیر خدا را می‌خوانید؟! اگر راست گویید [پس غیر خدا را بخوانید]. بلکه تنها او را می‌خوانید! و اگر [خدا] بخواهد، آنچه را به خاطر آن [او را] خوانده‌اید، برطرف می‌سازد و آنچه را شریک [خدا] قرار می‌دهید، فراموش می‌کنید.

در این آیه بیشترین تمرکز قرآن بر یک روش درونی است. در اصل اگر بخواهیم روش‌های تأثیرگذاری یا حتی پاسخ‌گویی قرآن به سؤالات را به یک اعتبار به روش‌های درونی و بیرونی تقسیم کنیم یکی از مهم‌ترین روش‌های درونی را که به شکل عاطفی افراد را وادار به ارجاع به درون و بازخواست و محک درونی می‌سازد روش پرسش و پاسخ است. در اصل اگر روش درونی را یک روش عمد و کلی تر قلمداد کنیم در اینجا پرسش و پاسخ یکی از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی است که قرآن برای پیاده‌سازی این روش درونی که بار عاطفی آن هم چشمگیر است به کار گرفته است.

باز در آیه دیگر قرآن خداوند شخص را با ایجاد پرسش وادار به چنین مراجعه درونی می‌کند و از روش پرسش و پاسخ در این زمینه استفاده می‌کند. در اصل اینجا روش پاسخ، ارجاع درونی و یک فهم باطنی است که از طریق پرسش و پاسخ صورت گرفته است. در آیه پیش رو نیز خداوند با ایجاد پرسش انسان را به یک مراجعتی واسطه به وجود خودش ارجاع می‌دهد:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَعْكُمْ وَأَنْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيْكُمْ بِإِنْفُرْ كَيْفَ نُصَرَّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِرُونَ. (انعام / ۴۶)

بگو آیا ملاحظه کردید اگر خدا شناوی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن را به شما می‌دهد؟! بنگر چگونه نشانه‌ها را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، سپس آنان روی برمی‌تابند!

در این روش نیز قرآن با طرح پرسشی افراد را دعوت به ایجاد یک انگاره درونی می‌کند و قضاؤت و داوری آنها را طلب می‌کند. در اصل در این روش قرآن به طرح پرسش می‌پردازد ولی پاسخ آن را که تجربه‌ای درونی است به خود شخص

واگذار می‌کند. در اصل این آیه هم از جمله این موارد است که همه توجه‌شان به حضور خداوند در عالم و اثبات اداره عالم به وسیله خداست که به صورت پرسش مطرح شده است. این ایجاد پرسش بیدارکننده وجдан و فطرت آدمی است و انسان را وادار به فکر و تنبه درونی می‌سازد. از سویی دیگر آیه فوق‌الذکر بیان‌گر روش آیه‌ای نیز هست که با بیان آیات و نشانه‌های الهی افراد را وادار به تفکر در آفرینش و خلقت خود ساخته و زمینه‌های معرفتی و عاطفی را در افراد فراهم می‌آید. شبیه آیات فوق این آیه است که فرمود:

قُلْ أَرَأَيْتُكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ اللَّهُ بِعْتَدٌ أُوْجَهْرَةٌ هُلْ يُهَلَّكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (انعام / ۴۷)

بگو آیا ملاحظه کردی اگر عذاب خدا ناگهان [او پنهان] یا آسکارا به سوی شما آید، آیا جز گروه ستمکاران هلاک خواهند شد؟!

همان‌طور که بیان شد این تکنیک و شیوه‌ای است برای پیاده‌سازی یکی از روش‌های عمدۀ که همان روش درونی یا فطری است. این روش درونی را شاید بتوان روش فطری هم نامید چراکه فطرت همه انسان‌ها به خداوند گواه می‌دهد ولی ممکن است آن را فراموش کرده باشند. در اصل قرآن با بیان چنین پرسش‌هایی می‌خواهد افراد را متوجه این امر فطری سازد که قدرت و تسلط الهی بر عالم و رویویت اوست که موجبات اداره عالم را فراهم ساخته و اگر خدا اراده نمی‌کرد همه عالم معطل می‌ماند، «اگر نازی کند در دم فرو ریزند قالب‌ها». آیه پیش رو مؤید این معناست که خداوند از پیامبر می‌خواهد چنین پرسشی را مطرح تا موجبات بیداری آنان فراهم شود.

این چنین پرسش‌هایی که زمینه بیداری فطری را فراهم می‌کند گاهی متوجه شرایط سخت و دشوار است. یعنی خداوند در قرآن به پیامبر دستور می‌دهد برای بیداری فطری آنها و توجه آنها به خداوند به روش پرسش‌گری، آنها را متوجه حالت خوف و ترس کرده و از ناجی و نجات‌بخش آنان سؤال کند که چه کسی می‌تواند آنها را در حال غرق شدن هستند نجات دهد. این روش ابتدا انگاره و تصور آنان را دستخوش خلق وضعیتی می‌کند که حالت غرق شدن در دریاست و از عمق جان خدا را برای یاری می‌طلبند. چنین حالتی انسان را متوجه خدایی می‌کند که اوست که تنها می‌تواند در این حالات سخت و دشوار انسان را نجات دهد. شاهد این مطلب آیه‌ای است در قرآن که با تکنیک پرسش و پاسخ روش فطری را پیاده نموده است:

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلْمَاتِ الظُّلْمَرِ وَالظُّلْمَرِ تَدْعُونَهُ تَضْرِغًا وَحَقْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ \* قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَ مِنْ كُلِّ كُرْبَ ثُمَّ أَتَتْنَمْ تُسْرِكُونَ (انعام / ۶۴ - ۶۳)

بگو چه کسی شما را از تاریک‌های خشکی و دریا نجات می‌بخشد؟ در حالی که او را فروتنانه او آشکارا [و پنهانی می‌خوانید او می‌گویید]: اگر از اینها ما را نجات بخشد، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. بگو خدا شما را از این‌ها و از هر اندوهی نجات می‌بخشد؛ سپس شما [برای او] شریک قرار می‌دهید!

#### ۴. شیوه خودخطابی

یکی دیگر از شیوه‌هایی که قرآن برای طرح پرسش و پاسخ مطرح می‌کند پرسش از خود است. در این شیوه فرد یا گروه پرسش را به خود برمی‌گرداند و از خود سوالاتی را مطرح و به آن پاسخ می‌دهند. در اصل بار تأثیرگذاری این روش از آن چهت که شخص خود را مخاطب قرار می‌دهد از جهاتی بیشتر است. در این شیوه از پرسش و پاسخ به شکل غیرمستقیم شخص را با فضای مسئله آشنا ساخته و با متوجه ساختن خود با پرسش، زمینه فهم و معرفت را برای طرف مقابل فراهم می‌کنیم. در اصل با روش پرسش و پاسخ، عواقب مسئله یا پیامدهای آن را برای خود گوشزد می‌کنیم تا طرف مقابل نسبت به عقیده و علت عقیده ما به مطلبی یا اینکه چرا از عقیده‌ای دفاع می‌کنیم آشنا شود و ضمن رفع شبهه و پرسش طرف مقابل ما را مورد بازخواست و سؤال قرار ندهد و زمینه تغییر عقیده و نگاه طرف مقابل نیز فراهم شود. گاهی پرسش‌های قرآن انسان را در مقام فکر و استدلال قرار می‌دهد و با توجه به سود و زیان و منافعی که متوجه انسان است دست به

پرسش‌گری می‌زند. در این صورت انسان دست به محاسبه می‌زند و در مورد منافع و عواقب نوع تفکر خود داوری می‌کند. در این صورت شخص با در نظر گرفتن عواقب انتخاب خود در مسیر هدایت قرار می‌گیرد؛ در این صورت نیز موجبات بیداری اندیشه را فراهم می‌سازد. نمونه آن آیه ذیل است:

قُلْ أَنْدَعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْعَفُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَتُرْدَةً عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي أَسْتَهْوَنُهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَيِّ الْهُدَى إِنَّ الْهُدَى لِهُوَ الْهُدَى وَمِنْنَا لِتَسْلِيمٍ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ  
(انعام / ۷۱)

بگو آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم [او پرسش کنیم] که سودی به ما نمی‌رساند و زیانی [آنیز] به ما نمی‌رساند و بعد از اینکه خدا ما را راهنمایی کرد به گذشته‌های [کفرآمیز] مان باز گردانده شویم؟! همانند کسی که شیطان‌ها او را به سقوط [او گمراهی] کشانده‌اند، در حالی که در زمین سرگردان است. [او] او همراهانی دارد که وی را بهسوی راهنمایی شدن فرا می‌خواند، [او می‌گویند]: بهسوی ما بیا! بگو به راستی راهنمایی خدا، تنها راهنمایی [حقیقی] است و به ما فرمان داده که برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم.

در برخی از پرسش‌هایی که خداوند دستور طرح آن را برای مخاطبان می‌دهد بر اساس پرسش می‌خواهد آنان را دعوت به یک نوع هماوردی و تحدى کند تا زمینه محک تجربی را در آنان فراهم آورد. در این صورت است که شخص در مقام ادعای خود باید به محک توان و قدرت خویش پردازد که در این صورت با فهم ناتوانی خود به حق پی می‌برد. بر این اساس، لسان پرسش، آنان را وادار به تأمل می‌سازد. مثل آیه‌ای که در آن خداوند به پیامبر می‌گوید از آنها پرسش که آیا از شریکانتان می‌تواند کسی آفرینش را آغاز کند:

قُلْ هُلْ مِنْ شُرُكَائِكُمْ مَنْ يَبْدِأُ الْغَلْقَ ثُمَّ يُبِدِّئُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدِأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ كَيْفَ تُؤْفَكُونَ  
[ای پیامبر!] بگو آیا از شریکان [معبد] شما، کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز گرداند؟! بگو [نهایا] خدا آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز می‌گرداند؛ پس چگونه آز حق، باز گردانده می‌شوید؟!

اما در برخی آیات برای افراد استدلال وجودی مطرح کرده و در مباحث پیامبرشناسی استدلال می‌کند. در آیه ۳۵ سوره یونس هم آمده است:

قُلْ هُلْ مِنْ شُرُكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَقْمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ  
(یونس / ۳۵)

بگو آیا از شریکان [معبد] شما، کسی هست که بهسوی حق راهنمایی کند؟! بگو [نهایا] خدا بهسوی حق راهنمایی می‌کند و آیا کسی که بهسوی حق راهنمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود یا کسی که راه نمی‌پابد، مگر آنکه راهنمایی شود؟! پس شما را چه شده است؟ چگونه داوری می‌کنید؟!

##### ۵. شیوه مقایسه

شیوه دیگری را که خداوند از طریق و روش پرسش و پاسخ ارائه می‌کند شیوه مقایسه است. قرآن به‌وسیله طرح پرسش انسان را وادار به مقایسه می‌کند؛ چنین قیاسی منجر به تلاش فکری و در نهایت کرنش مخاطب در مقابل حق خواهد شد. به عنوان نمونه خداوند در قرآن با طرح پرسشی به مقایسه پروردگار عالمیان و بتها می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌کند که بین این پروردگار و بتها که سود و زیان خود را نمی‌دانند کدام را ولی و سرپرست خود قرار می‌دهید؛ آنگاه در مقام مقایسه و بهره‌گیری از تمثیل می‌گوید آیا کور و بینا و تاریکی و نور یکی هستند؟ در سوره رعد آمده:

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ قُلْ أَفَأَنْتَعْذِذُ مِنْ دُونِهِ أَوْ لِيَاءٌ لَا يَمْلُكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَعَّا وَلَا ضَرَّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْصَّابِرُ أُمْ هُلْ تَسْتَوِي الظَّلَامَاتُ وَالنُّورُ أُمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرُكَاءَ خَلَقُوا كَحْلَمَةَ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَيْهِمْ قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلُّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ. (رعد / ۱۶)

ای پیامبر! بگو چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ بگو: خدا؛ بگو پس آیا غیر از او سرپرستانی گزیده‌اید که برای خودشان مالک هیچ سود و زیانی نیستند؟ بگو آیا نایبنا و بینا یکسان‌اند؟! یا آیا تاریکی‌ها و نور یکسان‌اند؟! یا همتایانی برای خدا دادند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و آین دو آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟! بگو خدا آفریننده هر چیزی است و او یگانه چیره است.

در این مقایسه شخص با دستکاری در تصورات گذشته خود بین حق و باطل مقایسه می‌کند و در این مقایسه باور و اعتقاد پیشینش دست‌خوش تردید و تغییر می‌گردد. در این صورت آرام آرام به سمت حق پذیری میل پیدا می‌کند. اصرار قرآن در به کارگیری این شیوه استفاده از روش پرسش و پاسخ است؛ چراکه زمینه تحریکی بیشتری در فرد ایجاد می‌کند. کما اینکه در برخی آیات چنین مقایسه‌ای صورت گرفته اما در قالب سوال نیست. وقتی خداوند از روش پرسش و پاسخ و به شیوه مقایسه بهره می‌برد شخص با تحریک عواطف نسبت به مقایسه عقیده خود با آنچه حق است بیشتر تحریک شده و سریع‌تر دست به بازخوانی عقیده خود و اصلاح آن می‌زند. از این‌رو روش پرسش و پاسخ با چنین تکنیکی در اصلاح عقیده سازگارتر است.

در قرآن در موارد بسیاری از روش پرسش و پاسخ و به شیوه مقایسه، مسائل اعتقادی مورد توجه قرار گرفته است؛ مثل آیه‌ای که فرمود: «قُلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.» (زمیر / ۹) این روش پرسش‌گری که به شیوه مقایسه صورت گرفته می‌تواند زمینه تبیین و ارائه معرفت درست باشد؛ چراکه با ایجاد چنین پرسشی و صورت گرفتن چنین مقایسه‌ای دریچه‌های فهم انسان به سوی حقیقت و هدایت گشوده می‌شود و انسان را از لجاج و تعصب‌های بی‌مورد می‌رهاند. البته روش مقایسه خود می‌تواند به شکل مستقل مد نظر باشد که پرداختن به آن خود بحث مستقلی می‌طلبد. به هر حال ما در این بحث از مقایسه به عنوان یکی از شیوه‌های پرسش و پاسخ برای پاسخ و تبیین معارف دینی بهره‌مند شدیم.

#### ۶. شیوه اظهار اعجاب و شگفتی

از دیگر شیوه‌ها و تکنیک‌هایی که قرآن استفاده می‌کند و با روش پرسش و پاسخ آن را پیاده‌سازی می‌کند اظهار شگفتی است که در قالب پرسش و پاسخ مطرح شده و با اظهار شگفتی سعی می‌کند بیان کند که چنین عقیده‌ای دور از عقل و خرد و بینش است.

«تعجب» مصدر باب «تَقْفِل» از ماده «عجب» و در لغت به معنای به شگفت آمدن است. (فیومی، ۲: ۲۰۴) در میان انسان‌ها گاه مشاهده می‌شود که شخص با دین واقعه‌ای، متاثر شده و آن را امری عظیم می‌شمارد و در مورد آن تعابیری همچون «عجب»، «عجبی» و مانند آن به کار می‌برد؛ به عنوان مثال شخص با دیدن چاهی که آب آن به نگاه خشک شده و یا با مشاهده بارش باران در آسمان آفتایی و بدون ابر، متاثر شده و آن را امری عجیب، خطاب می‌کند.<sup>۱</sup> (حسن، ۳: ۳۸۳ / ۳۳۹) چنین شخصی را «متعجب» و صفت حاصل شدن در او را «تعجب» کویند.

در تعریف اصطلاحی «تعجب» نیز گفته شده: تعجب عبارت است از متاثر شدن نفس در مواجهه با واقعه‌ای که علت و سبب آن پوشیده است و به همین جهت با آشکار شدن سبب، تعجب از میان می‌رود. (خرسی، ۲: ۱۴۲۸ / ۵۷۱) در این شیوه با نشان دادن تعجب، پوشیده و مبهم بودن علت و عامل یک عقیده اظهار می‌گردد و شخص را وادر به تأمل و تفکر می‌کند. لذا این اظهار تعجب از عوامل پوشیده و پنهانی که سبب شکل‌گیری یک عقیده باطل شده زمینه‌های شکل‌گیری معرفت صحیح را فراهم می‌کند. البته تعجب بیشتر بعد عاطفی شخص را درگیر می‌کند و زمینه شکل‌گیری تفکر

۱. تعجب شخص ممکن است به جهات گوناگون همچون پوشیده بودن علت و سبب واقعه، نظیر و مانند نداشتن، ندرت و کمی مشابه آن و مجہول بودن حقیقت و ذات آن باشد.

معرفتی را فراهم می‌آورد. چراکه ما همواره نسبت به اینکه دیگران رفتار یا افکار ما را عجیب و نایاورانه تلقی کنند احساس خوشابینی نداریم. ازین رو نسبت به نوع رفتار و عقاید خود تجدید نظر کرده و دوباره آنها را بازخوانی می‌کیم. به عنوان نمونه در آیه ۱۷۵ سوره بقره قرآن کسانی را که گمراهی را به هدایت ترجیح می‌دهند و در نهایت، آتش جهنم را بر خود هموار می‌سازند از طریق پرسش مورد اعجاب قرار داده و خداوند با ایراد سوال به شیوه تعجب این نوع عقیده و رفتار و ترجیح باطل بر حق و انتخاب گمراهی نسبت به هدایت را زیر سوال برده و شخص را وادار به تفکر درباره عملکرد اعتقادی و رفتاری خود می‌سازد:

أَوْلَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمُغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ.

آن کسانی هستند که گمراهی را با راهنمایی و عذاب را با آمرزش مبادله کرند؛ پس چه چیزی آنان را بر آتش شکیبا کرد؟!

آنچنان که اهل ادب گفته‌اند در این آیه شریفه ساختار قیاسی تعجب «ما أَفْلَهْ» به کاررفته و «أَصْبَرْ» در عبارت «ما أَصْبَرَهُمْ»، فعل ماضی جامد و برای انشاء تعجب است. (درویش / ۱: ۱۴۱۵ / ۳۴۷) در این آیه به مخاطبین گوشزد می‌شود که ضروری است از امر مذکور (شکیبایی آنها در برابر عذاب خداوند) تعجب کنند. (حضری، ۵۷۱ / ۲: ۱۴۲۸)

البته به نظر نگارنده سیاق بسیاری از آیات نشانگر تعجب است و بسیاری از موارد، ساختار سماعی دلالت بر تعجب دارد. به عنوان نمونه این سوال قرآن که در آیه ۲۷ نازرات فرمود: «إِنَّمَا أَشَدُّ حَلَقَةً أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا» می‌تواند دلالت بر تعجب و شگفتی نیز داشته باشد و از این شیوه، قرآن استفاده نموده است.

البته در قرآن نسبت به برخی موارد رفع تعجب و شگفتی شده و قرآن با نفی شگفتی باز در صدد اثبات حقانیت مطلوب خود است؛ به عنوان نمونه باز به روش پرسش به شیوه نفی تعجب و اعجاب‌آور بودن قصه اصحاب کهف آن را امری حق معرفی می‌کند. در اصل به بیان قرآن آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست بلکه آیات بسیار عجیب‌تری نیز در نزد خدا وجود دارد. وجود آیاتی شگفت‌آورتر از ماجراهای اصحاب کهف در نزد خدا:

أَمْ حَسِيبَتْ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا. (كهف / ۹)

آیا پنداشتی که اصحاب کهف و رقیم [= یاران غار و صاحبان نوشتۀ]، از نشانه‌های [معجزه] آسای شگفت‌آور ما بودند؟!

نفی شگفتی از ماجراهای اصحاب کهف - به رغم شگفتی آن در نظر آدمیان - گواه این مطلب است که خداوند، آیاتی بس عجیب‌تر از این داستان نیز آفریده است. آیت اصحاب کهف در بین سایر آیات الهی پیشامدی نوظهور و عجیب نیست، بلکه داستانی است که همه روزه و تا شب و روزی هست، تکرار می‌گردد. در این آیه در اصل با چنین پرسش خداوند تعجب آنان را زیر سوال برده و حقیقت را برای آنان بازگو کرده است.

## نتیجه

قرآن به عنوان کتاب راهنمای بشر و عامل هدایت انسان‌ها از روش‌های مختلفی برای هدایت انسان‌ها بهره برده است. یکی از این روش‌ها که فراوانی بیشتر در آیات قرآن دارد و در ابعاد اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی به کاررفته است «روش پرسش و پاسخ» است. روش پرسش و پاسخ ضمن آنکه می‌تواند زمینه‌سازی معرفتی برای افراد به همراه داشته باشد و به شیوه طرح سؤالات و پاسخ‌های مستقیم، افراد را به عقیده و معرفت صحیح نائل سازد از نظر عاطفی نیز افراد را وادار به تأمل و تفکر ساخته و زمینه هدایت آنها به مطلوب را فراهم می‌آورد.

قرآن با به کارگیری شیوه‌های مختلف و در قالب بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ دغدغه هدایت انسان‌ها را به عهده دارد. لذا ضمن طرح سؤالات و پاسخ‌های مستقیم از یکسو و نیز دستور به پیامبر به طرح سؤالات و ارائه پاسخ‌ها بر اساس شیوه‌هایی چون خطاب مستقیم، خود خطابی، انگیزش درونی، ایجاد اعجاب و شیوه‌های دیگر زمینه حل شبهات و سؤالات را در افراد فراهم می‌کند. این ادعا با بررسی استفاده این روش پاسخ‌گویی در حوزه سؤالات اعتقادی قابل تبیین است. بخش

عمده‌ای از پرسش‌ها و شباهت مخاطبان در حوزه اصول اعتقادی است و قرآن با بهرمندی از این روش به گونه‌های مختلف سعی در پاسخ و اقناع مخاطب دارد. مسئله ویزگی‌ها و حقیقت روح انسان، تبیین آیات الهی، پرسش‌ها و سؤالات مربوط به شناخت خدا و اوصاف الهی بخشی از معارف اعتقادی است که قرآن با استفاده از شبیوهای مختلف پرسش و پاسخ در صدد پاسخ‌گویی برآمده است. قرآن با توجه به تأثیر گذاری این روش در ابعاد وجودی انسان بهویه بعد عاطفی و شناختی، زمینه حل شباهت را برای مخاطبان فراهم آورده است؛ لذا روش پرسش و پاسخ بر دو امر استوار است یکی بعد معرفتی و دیگری بعد عاطفی که با پیوند خوردن این دو بعد زمینه تحقق اهداف قرآن که در نهایت به هدف والای هدایت منجر می‌شود فراهم می‌گردد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، لبنان - بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۳. بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶ق، *تفسیر جامع*، تهران، کتابخانه صدر.
۴. پارسانیا، حمید، ۱۳۹۰ق، *روش شناسی انتقادی حکمت صدرایی*، قم، کتاب فردان.
۵. حسن، عباس، ۱۳۸۳ق، *النحو الواقعی*، تهران، ناصر خسرو.
۶. حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۵ق، *روش شناسی علوم سیاسی*، ویراست اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۷. خضری، محمد، ۱۴۲۸ق، *حاشیة الخضری علی شرح ابن عقیل علی الفہی ابن مالک*، بیروت، دار الفکر.
۸. درویش، محیی الدین، ۱۴۱۵ق، *اعراب القرآن و بیانه*، سوریه، دارالإرشاد، ج. ۴.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷ق، *لغت‌نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محمد‌مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی ایران.
۱۱. زمخشri، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غواص‌التنزیل و عيون الأقاويل فی وجوه الثوابین*، مصحح مصطفی حسین احمد، مصطفی، لبنان - بیروت، دار الكتاب العربي.
۱۲. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۳ق، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. صافی، محمود بن عبدالحیم، ۱۴۱۸ق، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت، دارالرشید مؤسسه الإيمان، ج. ۴.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ق، *مججم البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ج. ۳.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، لبنان - بیروت، دار المعرفة، ج. ۱.
۱۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ق، *معجم البحرين*، تهران، نشر مرتضوی، ج. ۳.
۱۸. طوسي، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبيان فی تفسیر القرآن*، لبنان - بیروت، دار إحياء التراث العربي، ج. ۱.
۱۹. علیخانی، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۸۶ق، *روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، محقق هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة.
۲۱. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۲۵ق، *مصابح المنیر فی غریب الشرح الكبير*، قم، دارالهجره.
۲۲. کاظمی، سید علی‌اصغر، ۱۳۸۴ق، *روش و بیش در سیاست (نگرشی فلسفی، علمی و روش‌شناسنامی)*، تهران، نشر وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

